

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ «۷۷ ساعت» وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ در قاب هوش مصنوعی

محمد ضرغامی

کمتر از یک دقیقه پیش



اعلان فیلم ۷۷ ساعت درباره وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴

بسیاری هنوز می‌پرسند در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، زمانی که آیت‌الله علی خامنه‌ای هنوز در حملات اسرائیل و آمریکا کشته نشده بود، چه اتفاقی افتاد. عده‌ای نیز همچنان این حق را برای خود قائل‌اند که از دیگران بپرسند: «۱۸ و ۱۹ دی کجا بودی؟»

هجدهم و نوزدهم دی‌ماه اکنون به یکی از نقاط عطف تاریخ اعتراض‌های سیاسی ایران تبدیل شده است؛ رویدادی که از یک سو زمینه همذات‌پنداری بسیاری را فراهم کرده و از سوی دیگر به شکل‌گیری شکاف‌ها و دوقطبی‌های تازه دامن زده است.

همین واقعه تاریخی دستمایه ساخت فیلم سیاسی و دلهره‌آور «۷۷ ساعت» شده است؛ فیلمی که زندگی معترضان ایرانی را در میانه ترس، خشونت‌های مرگبار سیاسی و تلاش برای بقا بازگو می‌کند. داستان از خیابان‌های آرام تهران آغاز می‌شود و به تدریج مخاطب را به دل ناآرامی‌ها می‌برد.

«۷۷ ساعت» شاید از اولین تلاش‌های سینمای ایران در تبعید است که با بهره‌گیری از هوش مصنوعی کوشیده، فضاها و صحنه‌ها را بر اساس تصاویر منتشرشده از سوی شهروندخبرنگاران بازسازی کند.

در خلاصه داستان فیلم آمده است: «در ساعت‌های پیش از یک خیزش بزرگ، تهران تقریباً عادی به نظر می‌رسد. مردم سر کار می‌روند، خانواده‌ها در شهر رفت‌وآمد می‌کنند و مغازه‌ها باز هستند؛ اما زیر این ظاهر آرام، اتفاقی بزرگ در حال شکل‌گیری است».

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول»، وحید مهدوی، کارگردان، همراه با آرش شیروازن و علی پیرهادی هنرپیشگان این فیلم هر سه از لندن به پرسش‌هایی درباره تجربه تولید یک رخداد مناقشه‌برانگیز تاریخ معاصر با کمک هوش مصنوعی پراخته‌اند.



[↓ لینک مستقیم](#)

[↗ بازکردن در پنجره جدید](#)

احساسات انسانی در کاتالیزور هوش مصنوعی

وحید مهدوی می‌گوید انگیزه اصلی او از ساخت «۷۷ ساعت»، ثبت روایتی بوده که به اعتقاد او باید در حافظه جمعی باقی بماند.

به گفته آقای مهدوی، نگارش فیلم‌نامه «۷۷ ساعت» بر پایه تخیل نبوده، بلکه حاصل جلسه‌های متعدد با شاهدان عینی، بررسی تصاویر ثبت‌شده و دسترسی به آرشیوهای است که بخشی از آن‌ها پیش‌تر منتشر نشده بودند.

کارگردان این فیلم، دشوارترین بخش کار را بازسازی فضاهایی می‌داند که امکان فیلم‌برداری در آن‌ها وجود نداشت.

برای این منظور، او با استفاده از تصاویر و داده‌های محیطی تهیه‌شده از داخل ایران، به بازسازی سه‌بعدی موقعیت‌های مکانی پرداخته و بازی بازیگران را در فضای استودیویی با محیط‌های دیجیتال ترکیب کرده است.

با این حال، به باور او، احساسات انسانی همچنان مهم‌ترین عنصر این فیلم است؛ به همین دلیل، صدای واقعی و بازی بازیگران در مرکز این شیوه تولید قرار گرفته است.

آقای مهدوی معتقد است ابزارهای جدید، از هوش مصنوعی گرفته تا فناوری‌های نمایش، زمانی ارزشمند هستند که در خدمت روایت قرار بگیرند.

به گفته او، در جریان تولید فیلم، امکان استفاده از فناوری‌هایی برای نمایش در سالن‌های مجهز فراهم شده که تجربه صوتی و تصویری گسترده‌تری برای مخاطب ایجاد می‌کنند؛ اما تأکید می‌کند این امکانات، اگر به خودی خود به هدف تبدیل شوند، می‌توانند به اثر لطمه بزنند.

از نگاه او، فناوری زمانی موفق است که مخاطب پس از چند دقیقه، شیوه ساخت فیلم را فراموش کند و درگیر روایت شود.

علی پیرهادی، که در این فیلم نقش رئیس پزشکی قانونی کهریزک را بازی می‌کند، نیز برای هوش مصنوعی نقش اصلی قائل نیست و آن را بیشتر نوعی «کاتالیزور» می‌داند.



روایت یا قضاوت؟

وحید مهدوی می‌گوید در «۷۷ ساعت» تلاش کرده تا از قضاوت مستقیم پرهیز کند و روایت را به مخاطب بسپارد.

او تأکید می‌کند هنگام نوشتن فیلم‌نامه، بیش از هر چیز به تجربه مشترک انسان‌هایی فکر کرده که در میانه یک بحران، فارغ از گرایش‌ها و رقابت‌های سیاسی، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

به اعتقاد علی پیرهادی، «۷۷ ساعت» بیش از آن‌که درباره دسته‌بندی‌های سیاسی باشد، روایتی از آن چیزی است که در میدان رخ داده است.

او می‌گوید در فیلم تلاش شده که بر تجربه مشترک کسانی تمرکز شود که در آن واقعه حضور داشته‌اند، نه بر تفاوت‌های ایدئولوژیک آن‌ها.

آرش شیرواژن، که در این فیلم نقش یک پزشک را بر عهده دارد، با اشاره به محدودیت زمانی فیلم معتقد است هیچ اثر هفتاد دقیقه‌ای نمی‌تواند تمام ابعاد یک رخداد پیچیده تاریخی را پوشش دهد.

به گفته او، این فیلم تنها بخشی از یک روایت را بازگو می‌کند و بر تجربه‌ای تمرکز دارد که سازندگان آن را تجربه غالب جامعه می‌دانند.

وحید مهدوی در پاسخ به پرسشی درباره خطر گرفتار شدن فیلم‌هایی که به زوایای مناقشه‌برانگیز تاریخ معاصر می‌پردازند در دام پروپاگاندا، می‌گوید: زمانی پروپاگاندا شکل می‌گیرد که روایت توسط فاتح نقل شود. ما خودمان را فاتح نمی‌دانیم؛ از زاویه دید کسانی روایت می‌کنیم که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.

او درباره استفاده از یک رسانه جریان اصلی خارج از ایران برای پیشبرد روایت فیلم هم می‌گوید: آنچه از رسانه‌ها در فیلم استفاده شده، صرفاً در خدمت پیشبرد داستان بوده است، نه برای تبلیغ یک رسانه یا جریان خاص.

به گفته او، داستان فیلم در اصل روایت تلاش چند انسان برای زنده ماندن است؛ انسان‌هایی که در دل یک بحران قرار گرفته‌اند و از خودگذشتگی و همراهی یکدیگر را تجربه می‌کنند؛ کسانی که در آن موقعیت از یکدیگر نمی‌پرسیدند چه عقیده سیاسی دارند، بلکه تنها برای نجات جان هم تلاش می‌کردند.

علی پیرهادی نیز معتقد است «۷۷ ساعت» تلاشی برای ایجاد همدلی میان مردم و آشنایی بیشتر مخاطبان خارج از ایران با آن چیزی است که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی رخ داده است.

او می‌گوید: همه کسانی که در آن روزها به خیابان آمدند، الزاماً پادشاهی‌خواه یا جمهوری‌خواه نبودند. افراد با گرایش‌های مختلف حضور داشتند و ما تلاش کردیم همین واقعیت را روایت کنیم.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

فرهنگ و هنر ایران

بایگانی